

در یک نگاه

## رضا پهلوی در آغوش راسیسم حاکم در اسرائیل

رحمان حسین زاده

صفحه ۳

## سابقه درخشان اول مه

همایون گدازگر

صفحه ۴

## بازهم در باره طومار نویسی

سیاوش دانشور

صفحه ۵

## ۲۲ آوریل، روز زمین را گرامی بداریم!

هلاله طاهری

صفحه ۷

## شکست انقلاب فرهنگی؛ دانشگاه کماکان سنگر آزادیست!

امیر عسگری

صفحه ۸

## ندبه گیت رضا پهلوی

سیوان کریمی

صفحه ۱۰

## مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد است!

مصاحبه با منصور حکمت، فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران

صفحه ۱۱

یادداشتها - سیاوش دانشور

صفحه ۱۴

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراض

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۶

اعلامیه شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیستفرخنده باد اول ماه مه (۱۱)  
اردیبهشت ۱۴۰۲ (روز  
جهانی کارگر

صفحه ۱۳

۶۹۵

مستقل  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۲۱ آوریل ۲۰۲۳

## اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران

- حکمتیست

## اول مه: تجسم کشمکش دو

## قطبی کارگر و سرمایه دار

اول مه است، روز اتحاد جهانی طبقه کارگر و ندای قدیمی و ضروری کارگران جهان متحد شوید. در این روز در مقابل نگاه میلیاردها انسان در اقصی نقاط جهان، تفاوت پایه ای دو طبقه و دو جنبش متمایز برجسته میشود. در روز جهانی کارگر در بسیاری از کشورها و شهرها از یک طرف شاهد مارشها و متینگهای کارگران و انسانهای معترض به استثمار و ستم سرمایه داری و از طرف دیگر شاهد مقاومت و ایستادگی دولتها و مؤسسات حافظ نظم سرمایه هستیم. پروپاگاند دولتها و مبلغان موجب بگیرشان در خدمت تحمیل جهان چند قطبی بی ثبات کاپیتالیستی و در جهت به حاشیه راندن کشمکشهای مستمر طبقاتی و سیاسی این دو قطب متخاصم است.

براین اساس در عصر فراوانی و پیشرفت سرسام آور صنعت و تکنولوژی و جهانی شدن سرمایه، شکاف حاد فقر و ثروت گسترش می یابد. تحمیل دایمی فقر میلیاردی و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست اقلیت معدود سرمایه دار و حکومتها در جریان است. علیه این وضعیت و ستمگری سرمایه تشدید جدال طبقاتی و سیاسی گاه نهان و عمدتاً آشکار اجتناب ناپذیر است. اول مه فراخوانی است به طبقه کارگر جهانی با اتحاد و تشکل و تجزیه خود این دنیای وارونه را بر قاعده اش بگذارد. به سبطه نظم سرمنشأ استثمار و ستم و جنگ و فجایع نظام کاپیتالیستی پایان دهد. دولتهای سرمایه داری در همه کشورها زدن بیسابقه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتراضات اجتماعی و گسترده جمهوری سلامی و عوامل آن را از این جنایات فاشیستی و شبهه نازیستی پشیمان کند.

نهایتاً در اول مه اعلام کنیم، اگر سکان اداره جامعه به دست ما کارگران افتد، با امکانات و ثروت عظیمی که خود خالق آنیم، آزادی، برابری، رفاه همگانی همه شهروندان را تامین میکنیم. اگر حاصل کار خود ما، تولیدات و ثروت جامعه در اختیارمان باشد، دنیای بهتر و زندگی بهتری را ایجاد میکنیم. اگر قدرت دست ما کارگران باشد، با همین پول و ثروتی که هزینه دم و دستگاه عریض و طویل دولتها و پارلمانها و ارتشها و نیروهای سرکوبگر و جنگها و نهادهای خرافه مذهبی و ملی و غیر مذهبی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری موجود را فوراً پایان میدهیم. زندگی شایسته انسان امروزی برای همه شهروندان جامعه را تامین میکنیم.

**زنده باد اول مه!**

**زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!**

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

**۲۴ فروردین ۱۴۰۲ - ۱۳ آوریل ۲۰۲۳**

## اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### اول مه: تجسم کشمکش دو قطبی کارگر و

### سرمایه دار

دستمزدها و تحمیل ریاضت کثی اقتصادی را به سیاست معمول خود تبدیل کرده اند. همزمان با هجوم اقتصادی معیشتی، عقب گردهای فکری و سیاسی و فرهنگی و جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم را دامن میزنند. گسترش تروریسم افسار گسیخته و جنگ و کشتار تا پایمال کردن حقوق اولیه انسان را تحمیل میکنند. اول مه فرصتی جهانی برای به مصاف کشیدن این نظام سراپا جنایت است.

در یکسال گذشته ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی در کشورهای اروپایی و چهارگوشه جهان، عکس العمل ضروری و برحق در مقابل تعرض افسار گسیخته بورژوازی بود. به ویژه اعتصابات و اعتراضات قدرتمند کارگران و مردم آزادیخواه فرانسه وارث کمون پاریس در دو ماهه اخیر نوید بخش دور تازه ای از نبرد طبقاتی با قطب نمای برچیدن بساط نظم سراپا فاجعه بار کاپیتالیستی است. این نبرد و مبارزه درخشان موجب نرس و نگرانی حاکمان بورژوازی در فرانسه و اروپا و جهان شده است. مبارزات قهرمانانه کارگران فرانسه علیه سرمایه داری الگویی است که طبقه کارگر جهانی در مبارزات خود در کشورهای مختلف از تجارب و درسهای آن باید بیاموزند و در اعتراضات خود بکارگیرند و عمیقاً از آن حمایت کنند.

آنچه غیرقابل انکار است، بدون این صف بندیهای اعتراضی، دنیای موجود تاریکتر و غیر قابل تحملتر میبود. نبردهای اعتصابی و اعتراضی موجود علیرغم غیاب افق سوسیالیستی و تحزب کمونیستی به منظور ساقط کردن سرمایه داری و بنیادنهان نظم نوین کارگری و شورایی، در عین حال این واقعیت ریشه دار را یادآور میشود که، "زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکانپذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است".

امسال طبقه کارگر ایران در شرایط ویژه و انقلابی به استقبال اول مه میرود. خیزش انقلابی هشت ماهه اخیر بسیاری تجارب و دستاوردهای رادیکال را به دست داده و تناسب قوای مساعدتری را برای ابراز وجود کارگری و توده ای در یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر فراهم کرده است. توقع و انتظار اینست جنبش کارگری و رهبران و فعالین آن همانند نیروی رهبر تحولات مبارزاتی و سکانداران به دست گرفتن سرنوشت جامعه به میدان آیند. پرچم آزادی و برابری و رهایی جامعه را به دست بگیرند. کیفرخواست سراسری و کارگری را علیه نظم موجود سرمایه داری نمایندگی کنند. صفوف طبقه کارگر و اردوی کار را علیه شندرغاز مستمری تحقیرآمیز تعیین شده تحت نام "دستمزد حداقل" و برای تحقق "دستمزد مکفی و رفاه همگانی" متحد کنند. انتظار اینست در اجتماعات و سخنرانیها و قطعنامه های کارگری بر دستاوردهای رادیکال خیزش انقلابی هشت ماهه و بر همبستگی و اتحاد مبارزاتی مهمی که در اعتراضات رادیکال به وجود آمده پافشاری کنند. بر تداوم اعتراضات برحق علیه تضییقات اقتصادی و سیاسی، علیه دستگیریها و سرکوب، علیه بازداشت و به اسارت گرفتن فعالین کارگری و توده ای و بر آزادی فوری همه زندانیان سیاسی تاکید کنند. در اول مه امسال جامعه را باید فراخوان داد در مقابل فاجعه بکارگیری گاز شیمیایی علیه فرزندانمان در مدارس بایستند. با

### زنده باد اول مه!

افق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های شقی و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و اقتیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی معرون مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کلی جامعه را آزاد کند.

### زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۲

[www.hkmatist.org](http://www.hkmatist.org)

### اعتصاب و اعتراض کارگران فرانسه



مرگ بر جمهوری اسلامی!

## دریک نگاه

## رضا پهلوی در آغوش راسیسم حاکم در اسرائیل



دیگر مقامات دست راستی دولت اسرائیل می‌تواند به عنوان اهرم فشار برای جلب حمایت دولتهای غربی از اپوزیسیون راست و رضا پهلوی بکار گرفته شود. به علاوه با اینکار این پیام را میرسانند، که در آرایش سیاسی منطقه‌ای، از قرار گرفتن در کنار دولتهای راسیست و فاشیست در منطقه ایبایی ندارند. دارند با همه وجود آمادگی خود را برای حاکم کردن آلترناتیو راست افراطی، ضد کارگر و ضد آزادی و ضد چپ گرایی در ایران را اعلام میکنند.

این سفر برای قطب چپ و سوسیالیست و آزادیخواه ایران نیز این پیام را دارد، رضا پهلوی و مشروطه خواهان در آینده تحولات ایران تردیدی در حاکم کردن آلترناتیو ناسیونالیسم عظیم طلب دست راستی و فاشیست ضد کارگری به کمک دولتهای تا مغز استخوان مرتجع و راسیست مشابه دولت نتانیاهوی فاشیست ندارند. این مسئله آمادگی و هوشیاری بیش از پیش جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال و نیروهای چپ و کمونیست برای مقابله کردن با آلترناتیو راست به طور کلی و به ویژه آلترناتیو ناسیونالیسم عظیم طلب و راسیستی را میطلبد. اپوزیسیون راست هر چند جایگاه جدی در تحولات انقلابی جامعه ایران ندارند، اما مادام در مقابلشان نیروی فعاله مبتکر و رهبر در قامت آلترناتیو چپ و سوسیالیست عروج نکند و آنها را از صحنه خارج نکند، خطر جدی در مقابل تحولات آینده در ایران هستند.

خیزش هشت ماهه اخیر چپ گرایی و رادیکالیسم اجتماعی و مبارزاتی بالایی را نشان میدهد. این بستر قدرت گرفتن و قد علم کردن آلترناتیو چپ و سوسیالیستی برای انداختن جمهوری اسلامی و به حاشیه راندن آلترناتیوهای راست از هر نوع است. فرصت تاریخی برای طبقه کارگر و ما کمونیستها و آزادیخواهان فراهم شده، تا این رسالت را به فرجام برسانیم. در این راستا باید توان و آمادگی مان را صد چندان بالا ببریم.

\*\*\*

آوریل ۲۰۲۳



حاشیه های مشمنز کننده سفر رضا پهلوی به اسرائیل همچون کوبیدن سربه دیوار "ندبه" و برسرگذاشتن "کلاه" نماد خرافه جهالت مذهب یهود و زمزمه کردن دروغین "مناجات مذهبی" نفرت انگیز است و به درست انزجار وسیع انسانها متمدن را برانگیخته است!

حاشیه های مشمنز کننده سفر رضا پهلوی به اسرائیل همچون کوبیدن سربه دیوار "ندبه" و برسرگذاشتن "کلاه" نماد خرافه جهالت مذهب یهود و زمزمه کردن دروغین "مناجات مذهبی" نفرت انگیز است و به درست انزجار وسیع انسانها متمدن را برانگیخته است. این پدیده نشان داد برخلاف لاف زنیهای "مدرنیستی و سکولاریستی" همانند همه سیاستمداران بورژوازی مرتجع اگر منفعت شان ایجاب کند به هر ترفند و قیچانه ای دست میبرند و به خرافه های مذهب و ناسیونالیسم علیه منافع مردم متکی میشوند. در هر حال این حاشیه ها را باید کنار زد و بر دلیل و هدف سفر او در این مقطع زمانی مشخص متمرکز شد.

### شکست ائتلاف جرج تاون و اتکاء به راسیسم سلطنتی

مانورهای رضا پهلوی در سالهای اخیر یک به یک ناکام مانده اند. وکالت گرفتن شکست خورده و سپس سرهم بندی کردن "ائتلاف جرج تاون" و انتشار "منشور همبستگی" اولاً نه تنها جایی در تحولات و مبارزات انقلابی جاری پیدا نکرد، بلکه آشکارا از جامعه پاسخ منفی گرفت و همین باعث شد به جای اینکه "همبستگی" را در صفوف جریانات راست ایجاد کند، به کم سابقه ترین شیوه به عامل تشنت و پراکندگی در صفوف جریانات راست از جمله در میان خود سلطنت طلبان منجر شود. شکاف میان مشروطه خواهان و جمهوریکو خواهان را تشدید کند. شورای مدیریت گذار و مرکز همکاری فدرالیستهای کرد را به طرف فروپاشی سوق دهد.

عدم توافق سر پذیرش اعضای جدید به جمع شش خودگمارده، همگرایی شکننده کار این جمع را به پایان برد و شخص رضا پهلوی با یک تونیت بن بست گروه شش خودگمارده را اعلام کرد. سلبرینی ها و ژورنالیستهای این گروه کار معمول خود را ادامه میدهند. در این میان رضا پهلوی دوباره ناکام مانده در مانور جرج تاون چاره ای ندارد جز اینکه به بستر اصلی جنبش خود یعنی مشروطه خواهان و سلطنت طلبان افراطی متکی شود. لازمه اتکا مجدد به این طیف که این مدت از فعالیت ایشان در پروژه جرج تاون به شدت ناراضی بودند، به دست آوردن دوباره اعتماد آنها به عنوان نماد سلطنت طلبی بی اما و اگر و افراطی است. برای اینکار مجبور است نشان دهد، از مانورهای مزورانه گاه جمهوریخواهی و عمدتاً مشروطه خواه دست میکشد و خودش پرچم راست افراطی درون طیف مشروطه خواه و سلطنت طلب را به دست میگیرد.

در این رابطه میبایست کاری بکند که از دیگر افراطیون درون مشروطه خواه بر نیاید. سفر به اسرائیل درست در زمانی که دولت راسیستی و فاشیستی اسرائیل سرکار است چنین اقدامی است. این سفر در خدمت تحکیم موقعیتش در میان ناسیونالیسم عظیم طلب و مشروطه خواهان و سلطنت طلبان است. اکنون رضا پهلوی خود پرچمدار سلطنت طلبان افراطی همسر نوشت راست افراطی در اسرائیل است. اما سفر به اسرائیل در این شرایط دلایل دیگری هم دارد.

این سفر در عین حال نمایشی در مقابل عدم توجه کافی دولتهای غربی و در رأس آنها دولت آمریکا به اپوزیسیون راست و مشخصاً مشروطه خواهان و خود رضا پهلوی هم هست. جریانات راست پروغربی ایران و رضا پهلوی به حمایت بی اما و اگر آمریکا و دولتهای غربی چشم دوخته اند. امیدوار بودند، در جریان خیزش چند ماهه اخیر مورد حمایت مستقیم قرار بگیرند. این اتفاق نیفتاد. سفر به اسرائیل و دیدار با رئیس جمهور و دو بار با نتانیاهوی راسیست و

**شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!**

## سابقه درخشان اول مه

### همایون گدازگر



برداشته است. بورژوازی در همه این سالها در تلاش بوده است تا با استفاده از ناسیونالیسم و مذهب و بیکارسازی و به فقر کشاندن کارگران، در صفوف آنها تفرقه بیندازد و از این طریق خصلت ضد سرمایه داری را از مبارزه کارگران و اول مه بگیرد.

اما امروز دیگر عیان است که از یک طرف سرمایه داری بعنوان مسبب شرایط فلاکتبار کنونی هیچ راه حل و جوابی برای آینده بشریت و حتی برای

بحران های پی در پی خود ندارد، و از طرف دیگر انزجار از وضع موجود و تحرک روبه ازدیاد طبقه کارگر سرمایه داری را به مصاف طلبیده است. جهان امروز در برابر بربریت حاکم سرمایه داری تشنه عدالت و برابری است. تحرک طبقه کارگر جهانی و به میدان آمدن باشکوه کارگران فرانسه، نوید بخش بپا خاستن کارگران در دیگر کشورها و مژده آور برپایی اول ماه مه امسال در تمام جهان است. باید پرچم مارکس و نقد عمیق او را بر پرچم اول ماه مه کوبید.

زنده باد اول مه

روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

همایون گدازگر

۳۰ فروردین ۱۴۰۲

۱۸ آوریل ۲۰۲۳



منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

از سال ۱۸۸۶ بیعد و از هنگامیکه پلیس شهرشیکاگو کارگران اعتصابی این شهر را بگلوله بست تاکنون صدای کارگر در اول مه یادآور همبستگی جهانی کارگران و کيفر خواست آنها علیه نظم استثمارگرانه سرمایه داری است. در این سال پلیس حامی سرمایه با به خاک و خون کشیدن اعتصاب کارگران برای روز کار ۸ ساعته و دستگیری عده زیادی از کارگران در دفاع از ارکان سرمایه داری جنایت آفرید. اما از همان روز در صف مقابل و در میان ارتش استثمار شدگان موج همبستگی با کارگران شیکاگو از تمام نقاط جهان خودنمایی کرد.

فوپر انگل، یکی از کارگران اعدامی شیکاگو در دادگاه خطاب به نمایندگان سرمایه گفت: "صدای کارگران خفه شدنی نیست". وچنان هم شد، سه سال بعد از آن در سال ۱۸۸۹ صدای کارگران در کنگره بین المللی پاریس بلند شد. با پیشنهاد بوش، یکی از نمایندگان حزب سوسیالیست کارگری آمریکا در کنگره، اول مه وخواست کاهش ساعت کار بعنوان روز کارگر نامگذاری شد. از آن سال بیعد موج همبستگی کارگری در تمام جهان گسترش یافت.

سال ۱۸۹۰ روز اول مه شاهد حضور میلیونی کارگران در بیشتر کشورها بود. در آلمان کارفرمایان با تعطیلی و مراسمهای اول مه مخالفت کردند. اما کارگران بی توجه به مخالفت آنها به استقبال اول مه باشکوه آن سال رفتند. در شهرهای روستوک، کلن، هامبورگ و فرانکفورت کارگران با اعتصاب روزهای قبل از اول مه به استقبال این روز رفتند. در هامبورگ اعتصاب فلج کننده کارگران تا ۱۵ مه ادامه داشت. در وین قبل از اول مه ۱۵۰ هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. در بوداپست علیرغم ممنوعیت از طرف دولت ۳۰ هزار کارگر در مراسم اول مه شرکت کردند.

در این سال همچنین در هاید پارک لندن هزاران کارگر اول مه را گرامی داشتند و ۱۰۰ هزار کارگر در بلژیک در مارش اول مه شرکت کردند. دولت فرانسه در اول مه ۳۴ هزار سرباز برای جلوگیری از تظاهرات کارگران بسیج کرد و در ایتالیا کارگران شهر رم را به تعطیلی کامل کشاندند. در همین سال مارش بزرگ اول مه در استکهلم، نیویورک و کوبا و شیکاگو با شرکت ۳۵ هزار کارگر، همبستگی جهانی طبقه کارگر را به نمایش گذاشت.

به این ترتیب مبارزه کارگران بر سر تعطیلی و تظاهرات اول ماه مه علیه سرمایه داری در بخش مهمی از کشورهای جهان شروع شد. یکسال بعد در سال ۱۸۹۱ نیروهای انتظامی سرمایه اعتصاب و تظاهرات کارگران فرانسه را به خاک و خون کشیدند.

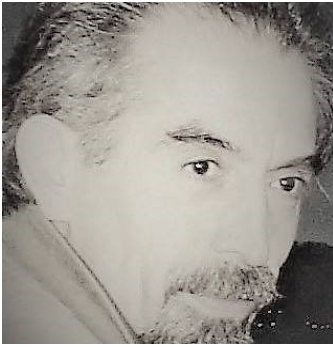
اما سرکوب بورژوازی نتوانست اول مه را از کارگران بگیرد. از آن بعد کارگران توانستند اول مه را بعنوان روز همبستگی جهانی طبقه کارگر و معرفی سرمایه داری بعنوان بانی و مسبب تمامی محرومیت های بشر امروز در پهنه گیتی جار بزنند. این سالها که ناسی و تاثیر از کمون پاریس، جانی در کالبد جنبش کارگری دمیده بود، در دهه های بعد و تحت تاثیر انقلاب اکتبر ادامه یافت و در سالهای قدرت جنبش کارگری همچنان اول مه مشعل اتحاد جهانی کارگر علیه ستم کشی و استثمار سرمایه داری بود. همه جا در این روز صحبت علیه بنیادهای سرمایه داری و علیه کارمزدی بود.

امروز و حدود یک قرن بعد از جانفشانی کارگران در آن سالها، هنوز اول مه روز کيفر خواست طبقه کارگر علیه سرمایه داری است. جهان امروز همچنان در منجلاب سرمایه داری غوطه ور است. بیکاری، فقر، گرسنگی، رقابت، جنگ قومی و جنگ و ترور، آسایش را از جامعه

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

## بازهم در باره طومار نویسی

سیاوش دانشور



اگر طومار برای این است که جرقه یک آتش را بزنیم، آمادگی ایجاد کنیم، یا افکار عمومی را در موجزترین بیان از محتوای اعتراض مطلع کنیم، برای خودش کاری مقدماتی است. قدمی که باید با قدمهای جدی تر و عملی تر که ظرفیت اعمال فشار مادی دارند، ترکیب شود. آنوقت طومار لحن روشن تر اعتراضی و برحق دارد، مجیزگوی قدرت نیست و التماس نمیکنند. طومار در این

حالت میتواند و باید اولتیماتوم بدهد که اگر مثلاً در فلان بازه زمانی ترتیب اثر ندهید، با عمل اعتراضی و اعتصابی تولید را متوقف می کنیم یا دست به تجمع و اعتراض سراسری میزنیم.

### یک مثال زنده: طومارهای دستمزد

در ماه گذشته لاقل شش طومار فقط برای دستمزد مصوب شورای ضد کارگری کار داشتیم. بجز طومار کارگران هفت تپه که مخاطبش کارگران ایران بود و نه دولت، متن آن دو اشکال و ایراد سیاسی هم داشت، اما طومار بلافاصله با اعتراض و اجتماع و راهپیمایی تلفیق شد. مابقی طومارها رو به دولت و مقامات بودند و از نظر محتوا عجز و لابه در بارگاه کسانی بود که خود مسبب وضع موجودند. یکی از آنها ۱۸ هزار امضا داشت و تحویل مقامات ذیربط داده شد. نهاد دریافت کننده این امضاها را ثبت و به احتمال زیاد در سطل کاغذ باطله انداختند. همانطور که قبلاً طومار ۳۰ هزاری و بیشتر هم با چنین سرنوشتی روبرو شده بود.

سوال اینست که نظر به تجربه ساده و با علم به نتایج تائکونوی طومار نویسی، چرا اصرار بر ادامه این نوع فعالیت وجود دارد؟ چرا با اینکه فعالین بر غیرموثر بودن طومار نویسی صرف واقفند، هنوز آنرا ادامه میدهند؟ دلیل بروشنی اینست که اولاً، نقدی روشن بر سنت و روش کار قانونگر ایانه ندارند. ثانیاً، راه دیگری را ممکن نمیدانند یا لاقل الان ممکن میدانند. این همان "مرز نازک" است که "طومار بعنوان تاکتیک و یک قلم از کار" را به "طومار بعنوان روش" بدل می کند. هر امضا کننده حتماً قانونگر نیست، اما هر امضا کننده روش قانونگر ایانه طومار نویسان را با این استدلال که «کاجی بهتر از هیچی» پذیرفته است.

### دو قطبی طومار و کف خیابون

شعار "فقط کف خیابون میاد بدست قحمون"، تاکیدی بر عمل اعتراضی داشتن در مقابل سیاست شکایت نوشتن و عجز و لابه از قدرت است. قطعاً کف خیابون هزار بار بهتر از کف خانه و هدر رفتن وقت و امضاهایی است که توسط مقامات به گوشه ای انداخته میشوند. اما این دو قطبی بنظر مقداری کاذب و غیر واقعی است. تاکید "فقط" بعنوان تنها راه و لاغیر، بلافاصله نقش اعتصاب و کم کاری و توقف چرخه تولید مادی و غیر مادی را در نظر نمیگیرد یا بطور سهوی زیادی به سمتی میکشد. حتماً "کف خیابان" برای دولت و قدرت هزینه دارد، مایل نیست مردم کف خیابان باشند، مخاطرات خودش را دارد، اما لزوماً ضرر اقتصادی به حکومت و طبقه سرمایه دار نمیزند.

اعتراض و اشکال آن باید دقیقاً در قلمرو سیاست و پروسه تولید و منافع طبقه حاکم توقف یا اخلاقی ایجاد کند، در غیر اینصورت چرا باید نیروهای ذینفع در مقابل ما اصولاً واکنشی نشان دهند یا به اعتراض طوماری توجه کنند؟ اعتصاب به تنهایی اهرم قوی سیاسی و اقتصادی است، ترکیب اعتصاب کارگری با اعتراض خیابانی مثل راهپیمایی برای جلب افکار عمومی به کارگران اعتصابی و خواست شان، بسیار پسندیده و خوب است. این نوع کف خیابون، با هر کف خیابون دیگر، فرق دارد. اینجاست که اعتراض پشتوانه قوی مادی دارد و هر گوشه آن از طومار تا اعتصاب و کف خیابون وجوه مختلف یک پدیده بزرگ و موثر است. طومار بطور کلی و از بیخ و بن مذموم نیست،

جمع کردن امضا و تهیه طومار سابقه قدیمی دارد. طومار نویسی تدریجاً به یک روش، یک تاکتیک، یک قلم از اقدامات در باره موضوع هدف تبدیل شد. بسته به اینکه به کدام جنبش و سیاست تعلق دارید، جایگاه و کارکرد طومار برایتان تفاوت دارد. طومار در خود مذموم نیست، "ایده ناب" هم نیست، طومار به تنهایی نیرو جابجا نمیکند، بطور کلی نمیتوان هر طوماری را نفی کرد. با طومار صرف هم تاکنون هیچ سنگری فتح نشده است.

طومار نویسی یا پتیشن امضا کردن در کشورهایی که افکار عمومی جایگاهی دارد و میتواند از طریق ابزارهای رسانه ای و سازمان درونی شهروندان جامعه اعمال فشار کند، به هر حال یک شاخص قابل مراجعه است. مثلاً ۹۳ درصد کارگران فرانسه و قریب ۷۰ درصد مردم فرانسه مخالف طرح مکرون برای افزایش سن بازنشستگی هستند. این آمار برای نفی مشروعیت حقوقی و حتی دمکراتیک دولت و اقدامش میتواند استدلالی باشد اما به تنهایی قدرتی ندارد. هرچند مکانیسم های دمکراتیک و غیر دمکراتیک تعبیه شده در قوانین طبقه ناچیز و "اقلیت"، خیلی ساده "اکثریت" و این اعتراض گسترده را نادیده میگیرد و یا ادعا میکند "دولت به طرق دمکراتیک انتخاب شده و حق دارد برنامه هایش را اجرا کند!" تو مخالف هم حق داری تظاهرات کنی. اما اعتراض وارد نیست، به همین سادگی!

اگر در کشورهای دمکراتیک که به هر حال شهروند و افکار عمومی جایگاهی در مجموعه سیاست دارند، مردم روی کاغذ حقوقی دارند و سیاستمداران خیلی نمیتوانند شلنگ تخته بیاندازند، این سرنوشت نظر سنجی و طومار و نه گفتن و اعتراض است، میتوانی بسادگی نتیجه بگیرد که در کشورهایی که دیکتاتوری و مذهب و قوانین فرمایشی حکم میرانند، طومار نویسی کمترین تاثیر را ندارد و اصولاً مکانیسمی برای پیگیری آن وجود ندارد. پس در ایران و فرانسه بدلیل شرایط متفاوت تعداد امضا و مخالفت یک معنی ندارند، هرچند در هر دو کشور با بی اعتنایی محض روبرو شدند.

### طومار بعنوان روش کار

تهیه طومار بعنوان اعتراض و بیان نظر برای جنبشهای قانونگرا، موافق نظم، مدنی چی یک روش محوری کار است. روشی قانونی و مسالمت جویانه برای طرح یک خواست یا "مطالبه" یا طرح شکایت و نقدی از یک وضعیت مشخص که رو به قدرت حاکم و نهادهاش طرح میشود؛ روی قانون و تعهد به قانون به مجریان قانون تذکر میدهد و انتظار اقدامی اجرایی از آنها دارد. توجیه آن اینست که اقدامی کم هزینه یا بدون هزینه است. در طومار افراد ناراضی و معترض در دنیای واقعی جمع نمیشوند، بلکه با یک امضا از کج خلوت خود در دنیای مجازی، دستجمعی اتمیزه میشوند. هیچوقت ده درصد امضاکنندگان دست به عمل اعتراضی مثلاً در مقابل مجلس رژیم نمیزنند.

طومار می آید و می رود و امضاکنندگان ناچارند بازهم در انزوای فردی خود در سوگ طومار بنشینند. جنبش طومار نویسی از نظر سیاسی یک حرکت محافظه کارانه و از نظر عملی یک اقدام غیرموثر است. طومار بعنوان روش کار بی خاصیت و یک بیراهه است.

### طومار بعنوان یک تاکتیک

یک جنبش اعتراضی برای تحقق امری میتواند انواع تاکتیک را در دستور خود قرار دهد. اینکه کدام اقدام و سیاست را در دستور میگذاریم تماماً تابعی از تناسب قوای طبقاتی در جامعه و همینطور مشروط به موقعیت و آمادگی صفوف خود جنبش طبقه کارگر است. جنبشهایی که از طومار نویسی، یا بعنوان یک عمل تبلیغاتی یا یکی از اقدام کار عملی و سیاسی بهره میجویند، طومار جایگاه و کارکرد متفاوتی دارد.

## بازهم در باره طومار نویسی

سیاوش دانشور

کارگر کمونیست و سوسیالیست هم بارها از این تاکتیک استفاده کرده است. اما طومار برای گرایش رادیکال و سوسیالیست طبقه یکی از ابزارهای فرعی کار است که با اقلام مبارزاتی و عملی و حضور اعتصابی و مادی کارگر تکمیل میشود. طومار اما برای خط مشی توده ایستی و قانونگرایانه بطور کلی یک روش است. روشی برای اجتناب از عمل سیاسی فراقانونی در مقابل سرمایه دار و طبقه حاکم. روشی برای برسमित شناختن دوفاکتوی اعتراض کارگران و در عین حال کانالیزه کردن این خشم به مجاری ایمن برای دولت سرمایه داران.

مصوبه دستمزد و فقر و گرانی از مسائل اساسی جامعه است. در اول مه علیه شرایط تحمیلی فلاکت عمومی بپاخیزیم، اعتصاب و اعتراض کنیم و همراه با خانواده های کارگری به خیابان بیایم!

۲۰ آوریل ۲۰۲۳

### اعتصاب کارگران فرانسه



#### در اول مه از مبارزات کارگران فرانسه حمایت کنیم! سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

اول مه روز تاکید بر هویت طبقاتی - انترناسیونالیستی طبقه کارگر است. در اول مه بر اتحاد جهانی کارگران علیه سرمایه داری، علیه سیاستهای میلیتاریستی و جنگ طلبانه، علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی تاکید کنیم!

بویژه ضروری است در هر گوشه جهان از مبارزات شکوهمند کارگران فرانسه علیه طرح بازنشستگی مکرون حمایت کنیم. کارگران فرانسه در جبهه مقدم نبرد علیه تعرض بورژوازی به طبقه کارگر در اروپا هستند!

اول مه روز طرح آلترناتیو سیاسی طبقه کارگر برای آزادی جامعه است! در اول مه اعلام کنیم؛ سرمایه داری مسبب و بانی کلیه مشقات انسان امروز است، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

#### زنده باد انترناسیونالیسم کارگری! زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
آوریل ۲۰۲۳

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

#### علیه فقر و گرانی و مصوبه دستمزد! برای دستمزد مکفی و رفاه همگانی!

دهها میلیون نفر با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم می کنند. کارگران سراسر کشور از شاغل و بیکار و بازنشسته مخالف مصوبه دستمزد نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" هستند. سیاست جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری تعمیق و تداوم فقر و فلاکت است. سیاست طبقه کارگر نفی نظام مبتنی بر فقر و فلاکت و استثمار فرد از فرد است.

در اول مه پرچم دستمزد مکفی و جوابگوی تامین نیازهای زندگی با استانداردهای امروز و رفاه همگانی را برافرازیم.

در اول مه اعلام کنیم آنچه که بورژوازی و طبقه سرمایه دار نمی پذیرد و ممکن نمی داند، دولت انقلابی کارگران به بهترین شکل تامین و تضمین می کند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
آوریل ۲۰۲۳

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!  
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



گاهی به کمپینها و نمایشهای خیابانی میپیوندند. بخشی از بشردوستان و عاشقان طبیعت به همراه دانشمندان، هدفمند بدنبال بهبودی این کره هستند ولی مگر مشکل با این حداقل بسیار کم از جمعیت بشری حل خواهد شد؟

برای انسانها این کره معنایش حیات روزانه است. اما مشکل این است که اجازه حیات روزانه دست مردم نیست. سیستم سرمایه داری که سالهاست سلطه جهانی یافته انسانها را در قالب ارقام و کد در خدمت سودآوری دسته بندی کرده است. انسان، ماشین، حیوان، کامپیوتر، گل و گیاه و خاک و سنگ و حتی هوایی که استنشاق میشود بسته به اینست که کجای دنیا قرار گرفته اید و متعلق به کدام طبقه اید و بعد معلوم میگردد که با چه شرایطی مجاز به حیات روی این کره خاکی هستید. ایجاد حبابهای لوکس و حسرت برانگیز برای زندگی یک قشر انگل ثروتمند، رقابت بازار و ایجاد جنگهای ویرانگر برای توسعه و فروش کالاهایشان، تنوع هیستریک در کالاهای سودآور و اشتباهی کاذب خریدی که به مردم تزریق میشود از جمله خصوصیات سیستم سرمایه داریست که مصیب اول و آخر به نابودی کشاندند این کره است.

روز زمین باید روز اعتراض علیه این سیستم بیمارگونه بازار و سودآوری و علیه جنگ شود. نجات انسان اگر وظیفه تک تک انسانهاست اما با اتحاد همگانی مردم برای مقابله با سیستم مخرب سرمایه داری ست و همچنین بخشی از مبارزه طبقاتی هم هست. مبارزه برای نجات این کره به اندازه دفاع از حقوق انسان، حقوق زنان و براندازی دیکتاتورها و پایان دادن به جنگ و خشونت در جهان اهمیت دارد. در منشور برنامه حداقلی برگرفته از تشکلهای زیادی که در بتن خیزش همگانی مردم در ایران به هدف براندازی جمهوری اسلامی و ایجاد دنیایی بهتر تدوین و برای آن مبارزه میشود در دفاع از منابع طبیعی و تلاش برای نجات زمین نیز بدرستی در بند 10 و 12 چنین آمده است:

"پایان دادن به تخریبهای زیست محیطی، اجرای سیاستهای بنیادین برای احیای زیرساختهای زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شدهاند و مشاع و عمومی کردن آن بخشهایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگلها و کوهپایهها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آنها سلب شده است... ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی..."

تلاش کنیم که در دنیایی که میسازیم بازسازی و بهبود کره زمین یکی از وظایف مبرم برای هر شهروندی و برای دولتی باشد که بر پا میکنیم. پیش بسوی حکومت شوراها!

## کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

## ۲۲ آوریل، روز زمین را گرامی بداریم!

### هلاله طاهری

امروز، ۲۲ آوریل روز زمین نام گرفته و هدف از آن نجات این کره ابیست. به پروتوکل صاحبان قدرت در جهان که بنگریم ظاهرا کارها همانطور پیش میروند که آنها برنامه ریزی کرده اند: تحقیقات فایل شده، کنفرانسهای بزرگ درگوشه و کنار جهان در سالنهای سر بسته صورت گرفته و گزارش کارها را در میدیا گاه گاه منعکس کرده اند. در کنار آن جشنهای ضیافتی بسیاری هم با خرجهای میلیونی برای جایزه دادن به خود برگزار کرده اند، اما حقیقت اینست که آب از آب تکان نخورده است. هر روز ما شاهد فاجعه های غیر قابل باور در زندگی روزانه مردم بویژه محرومترین و بی امکانات ترین بخش جامعه در جهان هستیم. دانشمندان زبان بسته هر روز هشدار میدهند و اگر هم مردم بشنوند در لابلای اخبار مشقت بار زندگی روزانه به آسانی بفراموشی سپرده میشود.

راه حلها برای نجات این کره آبی متفاوتند. مثلا باید دید که با کدام طبقه تعریف شده اید، اصولا به چه منظوری به این مشکل پروبلماتیک علاقه مند هستید و آیا در بهبودی وضع و حال زمین نفع مستقیم میرید یا نه؟ سرمایه های طبیعی و انرژی زمین را برای چه اهدافی میخواهید بکار ببرید و خیلی مولفه های دیگر.

از نگاه سرمایه داری هدف از استفاده از زمین چنگ انداختن به سود و باز هم سود بیشتر است. دودکشهای پلاتفرمهای نفتی، مواد خطرناک شیمیایی که در کارخانه ها استفاده میگردد، آب دریاها، آلوده ای که میلیونها انسان مجبور به نوشیدن آن هستند، هوای بسیار آلوده در بخشهایی از شهرها و محلات کارگری نزدیک به کارخانه ها، طوفانهای شنی، بادی و باران، سیل، آتش سوزی جنگلهای، امراض ویروسی ناشی از محیط آلوده، کودکان ناقص به دنیا آمده، خشکی و قحطی سریع در یکجا و سیل و زیر آب رفتن جزایر و شهرها در جایی دیگر، زلزله های ویرانگر که هزاران نفر را یکجا در خاک دفن میکنند همه و همه در دفاتر حاکمان و تصمیم گیرندگان امروز جهان فایل و بایگانی هستند ولی موضوعی برای کار روی آن نیست. بخشی از این تحقیقات از همان دفتر دانشمندان و محققین بلافاصله دفن میگردد و حتی بعضی سرشان را به خاطر هشدار و اعتراض به باد میدهند.

انسانها هم بعنوان بزرگترین گروه اجتماعی روی زمین که جمعی زندگی میکنند اما در اندازه های متفاوتی در مریض حال کردن زمین نقش دارند. از لاقیدی روزانه و دنباله روی از زندگی لوکس کذایی که دوربرشان است تا فشار زندگی که به آنها امکان فکر کردن به معضلاتی چون زمین نمیدهد همه در این پروسه سهیم هستند. خیلی ها با شنیدن این اخبار و دیدن این حوادث متأسف میشوند اما شانه هایشان را بالا میدازند و میگویند که کاری از دستشان بر نیاید و دوباره سوار بر ماشینهای گازوئیلی براه خودشان میروند. برخی دیگر بویژه نسل جوان در این دوره عمیقا از این حوادث متأسفند و هر از چند

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



مواردی کشته و اساتید مهم نیز با سرنوشت دانشجویان مواجه می‌شوند. دانشگاه‌ها در آن دوره شاهد فضایی مبارزاتی علیه ارتجاع اسلامی بود و از شعارهای برجسته آن دوره که توسط دانشجویان عمدتاً چپ از جمله طرفداران سازمان پیکار سر داده شد؛ «دانشگاه سنکر آزادیست» بود. دانشجویان برای حفظ این سنکر هزینه

های سنگینی دادند و موجب تضعیف جنبش دانشجویی برای دوره ای کوتاه شد.

جمهوری اسلامی بواسطه انقلاب فرهنگی بر اسلامیزه کردن درس و فضای دانشگاه میکوشد، علی‌رغم سرکوب و زیر ضرب بردن بدنه پیشرو جنبش دانشجویی در دهه شصت و سال‌های پیش رو تا حد بالایی با مقاومت جنبش دانشجویی روبرو می‌شود و شاهد نقاط عطف مختلف در دهه های پس از انقلاب فرهنگی از سوی دانشجویان پیشرو و آزادیخواه در قالب اعتراضات و درگیری های مختلف علیه روند خودکامگی ایدئولوژیک و سیاسی جمهوری اسلامی در فضای دانشگاه هستیم.

جنبش دانشجویی علی‌رغم سرکوب شدید، نقاط عطف مبارزاتی در کارنامه خود ثبت کرده است. اعتراضات کوی دانشگاه تهران در سال ۷۸، تشکیل سازمان دانشجویی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاه تهران و اصفهان در سال ۱۳۸۵، اعتراضات دانشجویی در سال‌های ۹۶، ۹۷، و آبان ۹۸ و همچنین خیزش وسیع جنبش دانشجویی با هژمونی چپ و کمونیست در دوره خیزش شهریور ۱۴۰۱ نمونه های مهم از فعالیتهای جنبش دانشجویی پس از دوران انقلاب فرهنگی است.



تمامی این فعالیتهای نشان دهنده شکست سیاستهای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته است. مشخصاً در اعلام موجودیت تشکیل دانشجویی «دب» در ۱۳۸۵ توسط دانشجویان سوسیالیست و ابراز علنی مواضع کمونیستی و چپ علیه سرمایه داری هار اسلامی، در ادامه همبستگی چپ دانشجویی علیه بساط سرمایه داری در همگامی با مبارزات هفت تپه با شعار " فرزند کارگرانیم ، کنار آنان می مانیم " و اعتراضات سراسری ۹۶ و دفاع از خواست اداره شورایی از بعد مبارزات چپ در دانشگاه با شعار؛ «نان، کار، آزادی، اداره شورایی» نشان داد تمام تلاش‌های حکومت اسلامی در پروژه انقلاب فرهنگی در ریل شکست قرار گرفته است.

در ادامه در ۲۳ اردیبهشت ۹۷ دانشجویان دانشگاه تهران و علامه علیه حجاب در دانشگاه به عنوان یوغ بردگی بر زنان که بوسیله حکومت اسلامی تحمیل شده و انقلاب فرهنگی آن را در دانشگاه بسط داده بود، دست به اعتراض زده و همراه با حمله کردن به جمهوری اسلامی امثال رفرمیست هایی چون؛ «مسیح علی نژاد» را به عنوان عوامل انقیاد مورد حمله خود قرار داده و افشا کردند. در سال ۹۸ همراه با خیزش آبان دانشجویان نیز در دانشگاه و محلات فعالیت رادیکال و انقلابی خود را علیه جمهوری اسلامی پیش بردند و در ادامه اعتراضات در دی ماه ۹۸ در جریان قتل عام مسافرین هواپیمای 752PS اوکراین

صفحه ۹

## شکست انقلاب فرهنگی؛ دانشگاه کماکان

### سنکر آزادیست!

امیر عسگری

دانشگاه از لحظه آغاز به فعالیت جنبش دانشجویی از اعتراضات گسترده دانشجویان به سفر نیکسون به تهران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تا سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ و دوره انقلاب تا قبل انقلاب فرهنگی، چپ و کمونیست بر فضای دانشگاه هژمونی داشتند و خطر اصلی در برابر حکومت جهل، کشتار و ارتجاع اسلامی بود و حزب جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا نقشه حمله به دانشگاه را بکشد.

در سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ دانشجویان عمدتاً چپ اداره شورایی دانشگاه‌ها را با ترکیبی از نمایندگانی از اساتید و دانشجویان بر عهده گرفتند و فضای آزاد و باز سیاسی با هژمونی چپ موجب تشکل یابی، ایجاد میزهای کتاب احزاب و جریانات چپ و کمونیست، سخنرانی و جلسات سیاسی با حضور جریاناتی همچون؛ چریک فدایی تا سایر گرایش‌های مارکسیستی از جمله اتحاد مبارزان کمونیست شد.

فعالیت‌های رادیکال دانشجویان در دانشگاه‌های چون؛ دانشگاه تهران، صنعتی، پلی تکنیک، دانشگاه تبریز، اهواز، شیراز و مشهد هراس بر تن بدنه جمهوری اسلامی انداخته بود و ارتجاع اسلامی را بر آن داشت تا همواره به دنبال توطئه و خاموشی این جو پیشرو با هژمونی چپ باشند. حزب جمهوری اسلامی که به دنبال بهانه ای برای حمله به فضای آزاد دانشگاه بود، این فرصت را در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ بدست آورد.

روز ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس اسلامی در دانشگاه تبریز شروع به سخنرانی می‌کند، دانشجویان چپ و کمونیست که مدتی بود از طرف طرفداران حکومت مورد حمله بودند علیه رفسنجانی و حکومت اسلامی و حملات نیروهای خط امام افساگری کرده و مانع از دوام سخنرانی رفسنجانی می‌شوند. درگیری شدیدی بین نیروهای چپ و کمونیست دانشجویی با خط امام و گله های حزب الهی که از بیرون دانشگاه روانه دانشگاه شده بودند صورت می‌گیرد و دانشجویان چپ دانشگاه تبریز را به تصرف خود در می‌آورند.

پس از این اوضاع خمینی در شورای انقلاب اسلامی دستور به تخلیه دفاتر احزاب سیاسی تشکل دانشجویان چپ در دانشگاه‌ها را می‌دهد، این فرصت که برای مهلت سه روزه ابلاغ می‌شود روز اول اردیبهشت ۱۳۵۹ به پایان می‌رسد که در پایان این دوره می‌توان گفت دوره انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها آغاز می‌شود.

تسخیر دانشگاه تبریز توسط نیروهای دانشجویی چپ پس از سرکوب شدید و زیر ضرب رفتن دانشجویان در پی درگیری شدید با نیروهای شبه نظامی حزب الله که از سطح شهر وارد فضای دانشگاه شده بودند به پایان می‌رسد. همراه با دانشگاه تبریز دفاتر جریاناتی مانند دانشجویان پیشگام در خیابان ۱۶ آذر تهران نیز تخلیه می‌شود.

فعالین دانشجویی بسیاری یا در جریان حملات کشته و زخمی شده و یا روانه زندان های جمهوری اسلامی می‌شوند. با ادامه رویه انقلاب فرهنگی در این برهه شورایی تحت نام «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تشکیل می‌شود. اعضای این شورا عبارت بودند از؛ علی شریعتمداری، محمدجواد باهنر، مهدی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال الدین فارسی. در این دوره برای سه سال تا سال ۱۳۶۱ دانشگاه تعطیل شده، دانشجویان زندانی، سرکوب و در



یوغ بردگی مزدی و مناسبات هار سرمایه داری حاکم در جامعه ایران و جهان میباشند.

در این دوره دانشجویان نه تنها باید در فضای داخلی دانشگاه سازماندهی تشکل خود را قویتر پیش ببرند، بلکه در همبستگی طبقاتی با طبقه کارگر و کل مزدبگیران و زحمتکشان تلاش کنند، در جهت احقاق حقوق پامال شده خود و جامعه فریاد زده و خواهان خلاصی از وضعیت کنونی برای همیشه شوند.

31 فروردین 1401

## شکست انقلاب فرهنگی؛ دانشگاه کماکان

### سنگر آزادیست!

امیر عسگری

توسط سپاه پاسداران، حرکت سراسری دادخواهی با شعارهای انقلابی که علنا سرنگونی جمهوری اسلامی را فریاد میزند از دانشگاه پلی تکنیک تهران آغاز و سراسر دانشگاه های کشور را فراگرفت.

دانشجویان در این برهه فریاد زدند: «جمهوری اسلامی ناپود باید گردد» و به صورت علنی ادبیات مبارزات دانشجویی از در لفافه سخن گفتن خارج شده و با ادبیاتی رادیکال به مبارزات خود ادامه داد تا به دوره خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ رسیدیم. در دوره انقلابی بعد از شهریور ۱۴۰۱ دانشجویان از هفته اول خیزش صفوف اول با رویکردی رادیکال و انقلابی و با هژمونی چپ در سطح سراسری دست به مقابله با نیروهای شبه نظامی دانشگاه، بند و بساط آپارتاید جنسی و

مذهبی و سرمایه داری زده، خواهان سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی شدند.

دانشگاهها در دوره پسا شهریور ۱۴۰۱ در درجه اول فرهنگ تفکیک جنسیتی (آپارتاید جنسی) حاصل از انقلاب فرهنگی را بارها با پراتیک مختلف از جمله؛ روسری سوزان، رقص، آواز و شکستن دیوارهای تفکیک جنسیتی در فضاهای آموزشی و رفاهی دانشگاه به هم ریختند. تولید شعارهای؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه چه رهبر»، «دانشجو کارگر اتحاد»، «نه روسری، نه توستری، آزادی و برابری» بدست دانشجویان از لحظه اول خیزش و بدل شدن شعارهای؛ «نه سلطنت، نه رهبری، دمکراسی برابری»، «زن، زندگی، آزادی» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» به شعارهای اصلی در دانشگاه به اتاق فکر انقلاب فرهنگی نشان داد که دانشگاه زنده است و علی رغم تلاش تئوریسین های ملی مذهبی همچون عبدالکریم سروش و تاجزاده انقلاب فرهنگی شکست مفتضحانه ای خورده است. تمامی اعتراضات سراسری دانشجویان درحالی علیه بند و بساط کلیت نظام هار اسلامی قد علم کرد که حکومت در همان ماه اول بیش از ۳۰۰ فعال دانشجویی را بازداشت کرده بود ولی جنبش دانشجویی با هژمونی چپ هم به جمهوری اسلامی و طرفداران اسلامیزه شدن دانشگاه ها و هم به راست اپوزیسیون نشان داد که خواستار تغییر نظام حاکم بدست طبقه کارگر و توده ها از پایین جهت برقراری حکومتی شورایی با محوریت آزادی و برابری طبقاتی و اجتماعی هستند.

همانطور که در ابتدای انقلاب ۵۷ دانشجویان چپ در دانشگاه ها بیان کردند؛ دانشگاه ها را به عنوان سنگرهای آزادی تا پای جان حفظ خواهند کرد، اکنون از سطح شعار خارج شده و با پراتیک به حکومت اسلامی نشان دادند این سنگر تسلیم نخواهد شد و تا رسیدن به آزادی و برابری به مبارزات انقلابی خود ادامه خواهد داد.

قطعا سالگرد انقلاب فرهنگی باید کوشید به گام های بعدی این جنبش پیشرو در سراسر کشور در جهت سازماندهی رادیکال و سرخ دانشجویان آزادیخواه و چپ پرداخت و در گام اول در ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر نشان داد که خواهان خلاصی از

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

## ندبه گیت رضا پهلوی

سیوان کریمی



۲. برای آزادی باید جنگید نه دعا کرد. همین افراد و سازمان‌ها و دولتهایی که شما در این هشت ماه در کوریدورهای مجالسشان به دنبال آنها بودید، ناقضان اصلی آزادی هستند. جنبش ژینا به افکار عمومی جهان ثابت کرد که مردم دنبال آزادی هستند و برایش جان می‌دهند. همین دولت‌های غربی در بهترین حالت ممکن، ابراز همدردی کردند. ما از ابتدا هم تکلیف خودمان را با این دولت‌ها مشخص کرده بودیم. اگر قرار بر آزادی است، باید برایش مبارزه کرد، نه این به ندبه پناه برد، همان کاری که امروز آخوندها برای نجات رژیم اسلامی به جمکران متوسل می‌شوند.

۳. این کار شما، به سخره گرفتن ۴۴ سال مبارزه با رژیم اسلامی، بویژه وضعیت انقلابی ۸ ماه اخیر است. دین و مذهب هیچ جایگاهی در آینده این جامعه ندارد. سکولاریسم اولین خواسته آینده است. آنچه شما در حرف [شاید] در مورد آن صحبت کنید، اما در عمل نشان دادید که دین را الزامی برای جامعه می‌دانید.

سیوان کریمی

آوریل ۲۰۲۳



پس از ۸ ماه از آغاز اعتراضات سراسری در ایران به خاطر مرگ مهسا ژینا امینی توسط رژیم اسلامی برای سران رژیم اسلامی و "آمران به معروف و ناهیان منکر"، برای دستگاه عریض و طویل اسلامی رژیم و برای آمران و عاملان سرکوب اعتراضات مردم مشخص شد که دین و مذهب برای مردم ایران رنگ خود را از دست داده است. ویدوهایی که متاسفانه بعد از کشته شدن دختران و پسران جوانی که منتشر شد نشان داد که دین هیچ جایگاهی در زندگی آنها نداشته است.

جنبش عظیمی که به راه افتاد قبل از هر چیز پایه‌های مذهب و به درجه اولاً مساله حجاب و پوشش را به چالش کشید و سرانجام پس از ۴ دهه مبارزه با حجاب اسلامی، در شهریور ۱۴۰۱ این مبارزه به اوج خود رسید و با حجاب سوزان، شعله‌های یک خشم انقلابی را شعله‌ور کرد. این یک اتفاق ساده نیست. رژیم اسلامی ۲۶ نهاد را برای سر کردن روسری به زنان ایجاد کرده است. صدا و سیما رژیم اسلامی یک برنامه در میان، مساله حجاب را پیش می‌کشد و به آن می‌پردازد. صداها رادیو و تلویزیون و روزنامه لحظه‌ای به دنبال تحمیل حجاب بوده‌اند. اما خروجی چه شد؟ شعاری که به ناحق در این وضعیت انقلابی و قبل از شعار زن زندگی، آزادی در گورستان آچی سفز داده شد سرخ را به ما می‌دهد. مردی با صدایی پر از بغض فریاد زد: "کوشن له‌سەر رووسەری، تابه‌که‌ی قۆربه‌سەری" (ترجمه: کشتن به خاطر روسری، تا به کی خاک برسری). و در همان شهر آخوندی را که برای "نماز میت" بر سر قبر جوانی آمده بود، با اعتراض یکی از شرکت کنندگان همراه شد و با صدای رسا گفت: "این جوانان به خاطر شما و دین شما کشته شدند." این واقعیت جامعه ایران است.

حجاب پوشش نیست، حجاب پایه‌ی اصلی رژیم اسلامی، پایه‌ی اصلی دین و مذهب و ابزار آپارتاید جنسی است. به چالش کشیدن حجاب، به چالش کشیدن دین و مذهب است. هر قدر در طول یکصد سال گذشته تلاش شد که جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی معرفی کنند و این دین را به مردم تحمیل کنند، نتیجه‌ای جز شکست نداشته و نخواهد داشت.

این مقدمه شاید بلند، وجه مشترکی با سفر رضا پهلوی به اسرائیل دارد. رفتن پای دیوار ندبه و برای صلح و آرامش دعا کردن. این حماقت محض بود که از طرف این "کهنه‌کار" سیاسی (به قول طرفدارانش) رخ داد. هر گاه سخن از رضا پهلوی در سیاست می‌شود، به درست مورد نقد قرار می‌گیرد. اما برای ندبه گیت، کار از نقد گذشته است. در روزهایی که مذهب و دین توسط جوانان به سخره گرفته می‌شود، مراکز ترویج دین و مذهب به آتش کشیده می‌شود و مردم از هر فرصتی برای خلاصی از این ابزار حماقت استفاده می‌کنند، رضا پهلوی خود را به دیوار ندبه می‌رساند تا شاید فرجی برای "منشورش" پیدا کند، برای "آزادی" دعا کند. برآستی مردم تفاوتی بین خامنه‌ای که ضریح امامان را می‌بوسد و رضا پهلوی که به دیوار ندبه توسل می‌جوید، تفاوتی می‌بینند؟

۱. مردم ایران با عبور از رژیم اسلامی، قبل از هر چیز از دین و مذهب عبور خواهند کرد. برای رضا پهلوی وجود نهادهای دینی و مذهبی همانند نهادهای سرکوب (همانطور که قبلاً گفته بود ارتش و نیروی انتظامی باید بمانند) لازم است. در یک مصاحبه با بیژن فرهودی گفته بود که اگر قرار بر نماندن اسلام باشد، جمهوری اسلامی را ترجیح می‌دهد. خود رضا پهلوی ام می‌داند که با رفتن رژیم اسلامی، نسخه‌ی آخوندهای کراواتی مانند رضا پهلوی بیجیده می‌شود.



مرگ بر سرمایه داری!



اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند.

در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم ببخشندشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، در بدر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی ننشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند ابرکتی و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکاتلندی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکا است.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتش نشان بیاندازد و یا به دریا تازیانه بزند.

صفحه ۱۲

## مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد

است!

مصاحبه با منصور حکمت، فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع

از زندانیان سیاسی ایران

مقدمه خاوران

مطلبی که در زیر ملاحظه میکنید پاسخهای منصور حکمت به پرسشهای ما در زمینه لغو اعدام است که در اصل برای کتاب ناتمام «چرا لغو اعدام» در نظر گرفته شده بود. که به لحاظ آماده نبودن کتاب مذکور فعلاً آن را در خاوران درج میکنیم. با سپاس از منصور حکمت که با وجود گرفتاریهای بسیار به درخواست ما پاسخ مثبت داد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرند، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائحه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجایی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

خاوران: با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکشند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچاپشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میبرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد.

زنده باد برابری زن و مرد!

## مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد است!

مصاحبه با منصور حکمت، فصلنامه خاوران، نشریه سازمان

### دفاع از زندانیان سیاسی ایران

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آن صورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. مناسبانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمبیبست هابی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلایل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

خاوران: اگر جواب منفی است در آن صورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

خاوران: اگر جواب مثبت است در آن صورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله ای به اسم جنایت

جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

\*\*\*

این مطلب در شماره ۷ فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۲۶ - ۱۳ آبان ۱۳۷۹ - ۳ نو



کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



## اعلامیه شورای همکاران نیروهای چپ و کمونیست

فرخنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲) روز جهانی کارگر

### کارگران و زحمتکشان!

اول ماه مه روز جهانی کارگر فرارسیده است. اول ماه مه روز تجلی همبستگی جهانی و نمایی از استقلال طبقاتی کارگران است. کارگران جهان امسال این روزتاریخی را در شرایطی جشن می گیرند که نظام سرمایه داری در سراسر جهان با بحران اقتصادی و سیاسی عمیقی دست بگریبان است. بحرانی که تضاد بین دول امپریالیستی و انحصارات سرمایه داری را تشدید کرده و جنگ و کشتار و تورم و گرانی مایحتاج عمومی، ویرانی محیط زیست را در ابعادی بی سابقه گسترش داده است و جهان را با فاجعه ای عظیم مواجه نموده است. اکنون عوارض این بحران آنچنان دامنگیرتر شده است که در نتیجه فشار کمرشکن آن، میلیونها کارگر و زحمتکش در دفاع از حق معیشت خود هر روز دست به اعتراض و اعتصاب می زنند. در سال گذشته اعتصابات و تظاهرات عظیم کارگران در کشورهای آمریکا، اروپا و پدیداری جنبش های اجتماعی ضد سرمایه داری کارگران و اقشار مختلف مردم زحمتکش در سایر نقاط جهان، چشم انداز سوسیالیستی را بعنوان تنها راه خلاصی از نظام منحط سرمایه داری بیش از پیش به افق مبارزات روزمره توده های عظیم کار و زحمت تبدیل نموده است.

نظام حاکم بر ایران نیز که با تلفیق دین و دولت یکی از سرکوبگرترین نظام های سرمایه داری محسوب می شود، همانند همپالگی های خود در سایر نقاط جهان در چالش با بحران های داخلی و حل تضادهای خارجی خود، می کوشد با تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان بار اصلی بحران را بر دوش توده های زحمتکش مردم قرار دهد. جمهوری اسلامی در سال گذشته نیز همچون سال های قبل با اعمال سیاست های اقتصادی ضد کارگری، طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را به زندگی در شرایطی سخت تر از آنچه تاکنون بوده سوق داده است. ستمگری در عرصه های مختلف جنسیتی، ملی و مذهبی را همچون وسیله ای برای حفظ حاکمیت و انباشت سرمایه و ثروت تشدید کرده است. آزادی های سیاسی و حقوق مدنی و حق تشکل و تحزب را از طبقه کارگر و زحمتکشان و فرهنگ ورزان جامعه سلب نموده است. اما کارگران، زنان، جوانان و خلق های تحت ستم و استثمار، و انسانهای آگاه و مبارز و آزادیخواه جامعه نیز از پای ننشسته اند. سال گذشته در تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان، شاهد خیزش انقلابی عظیمی با پیشگامی زنان شجاع، رزمنده و انقلابی بودیم که برغم مواجهه با سرکوب بیرحمانه رژیم اسلامی با صدها جانباخته و هزاران زندانی، دستاوردهای مهم و برگشت ناپذیری را به همراه داشته است و این مبارزات هرچند با افت خیز اما همچنان تداوم دارد.

### کارگران مبارز ایران!

روند حوادث در یکسال گذشته در جهان و ایران، مبین این واقعیت تاریخی و انکارناپذیر است که نظام های سرمایه داری برای برون رفت از بحران های گریبانگیر خود، جز حمله به دست آوردهای مبارزاتی کارگران، اخراج و بیکارسازی دسته جمعی، یورش به دستمزدها و سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و دست یازیدن به جنگ و کشتار و سرکوب حرکت های اعتراضی و فریب توده های زحمتکش مردم، راه دیگری

ندارند. اکنون در این مصاف، کارگران و همه آنهایی که بار فشار سنگین بحران اقتصادی و ستم و استثمار نظام سرمایه داری را برگرده خود احساس می کنند، راهی جز مبارزه و مقابله و عقب راندن سنگر به سنگر دشمنان خود و سرانجام غلبه بر اقلیت استثمارگر و ستمگر حاکم ندارند.

رفقای کارگر، تلاطمات سیاسی سهمگین تر و امواج گسترده تری از مبارزات در پیش است. اوضاع سیاسی حساس جامعه ایران ابتکار عمل طبقه کارگر را برای دگرگونی نظم موجود می طلبد. اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) امسال فرصتی است تا در اتحاد با کارگران سراسر جهان، صدای اعتراض خود را به وضعیت موجود بلند کنیم. باید تلاش کرد تا کلیه مردم زحمتکش شهر و روستا، زنان و جوانان و توده های تحت ستم و استثمار، چشم انداز تحقق مطالبات خود را در تداوم و پیروزی مبارزات کارگران جستجو کرده و گرد رهبران عملی جنبش کارگری حلقه بزنند.

امروز تاریخ از ما کارگران می خواهد که انعکاس فریاد میلیونها انسان دربند جمهوری اسلامی و مافیای قدرت و ثروت در ایران باشیم. حل تضاد بین سرمایه داران و اکثریت عظیم کار و زحمت، نه با رفم بلکه با سرنگونی انقلابی نظام حاکم ممکن خواهد شد. همگام و همراه با مبارزات کارگران سراسر جهان بر علیه حاکمیت در حال زوال سرمایه داری به پیش برویم. اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران و جهان شرایطی را بوجود آورده است که امسال می توان و باید برگزاری تظاهرات اول ماه مه را بطور گسترده تری تدارک ببینیم.

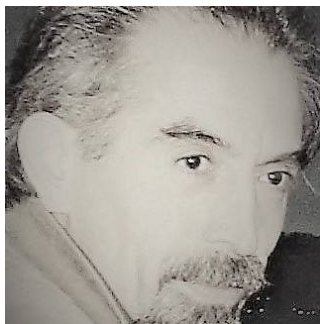
در هر کجا هستیم و به هرنحوی که می توانیم، با تلاش و کوشش خود به سازماندهی برگزاری مراسم روز کارگر همت گماشته و با طرح شعارها و مطالبات محوری و سایر مطالبات اقتصادی و سیاسی و طبقاتی خود، از جمله آزادی تشکل، آزادی سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی و لغو مصوبه دولتی دستمزد را که حالا به مطالبه عموم کارگران و مزد بگیران تبدیل شده است، فریاد کنیم و با طرح شعارهای تبلیغی و ترویجی آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری، کارگران را به اتحاد و مبارزه حول آنها فراخوانیم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر  
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!  
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۳۰ فروردین ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!



ای ها اما این عقب نشینی را سررازی بر شدن سیل غیر قابل کنترل میدانند، خشم و نفرت مردم را دیده اند، از وحشت زنان آزاده مثل مار زخمی بخود می پیچند. مشکل کل حکومت اسلامی و صنعت دین اسلام اینست که اولاً، زنان و جامعه در نقطه سازش مد نظر حکومتی ها توقف نمیکنند. ثانیاً، سیاست سرکوب و تشدید توحش و تروریسم نمیتواند مانند گذشته بقای

نظام را تضمین کند و مخاطرات و زیانها بیشتر از سود آنست. مضافاً اینکه دوره عوض شده است، دیگر روشهای سابق جواب نمیدهند. در این میان عده ای مهجور طرح "محرم سازی مدارس" را دارند. اخراج ها و جریمه ها از دانشگاه ها و مدارس و ادارات کافی نیستند، میخواهند دیوارهای آپارتمانها در جامعه را بالاتر ببرند و دور مدارس دخترانه حصار بکشند.

حجاب اسلامی اسم رمز و پرچم سلطه خونین اسلام در ایران است، حول آن یک نظام آپارتاید جنسی تمام عیار برپا شده است، بخش مهم تبلیغات و هزینه سرکوب برای اسلامیزه کردن جامعه مصرف میشود. حجاب موضوعی روزمره و اجتماعی و یک جبهه مهم کشمکش سیاسی با نظم و افسرگرای حاکم است. زنان و جامعه انقلابی در لغو حجاب اسلامی نمی ایستند و کل صنعت دین و منادیان و سردمداران تجارتخانه اسلام را همراه با حجاب پائین می کشند.

ما در حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، برخلاف بقیه نیروهای سیاسی متشکل و غیر متشکل، از روز اول برآمد انقلابی بر خصلت آنتی اسلامیستی، زن محور و نسلی این جنبش بعنوان اجزای کاراکتر اجتماعی این تحول انقلابی و همینطور آغاز یک رنسانس ضد اسلامی در منطقه و جهان تاکید کردیم. ما از آغاز بر غیر قومی و غیر ملی و غیر مذهبی بودن این حرکت انقلابی و هویت جهانی و آوانگارد و برابری طلب آن تاکید داشتیم. جنگ جمهوری اسلامی با زنان استراتژیک است. جمهوری اسلامی دارد از بقای استراتژیک خود دفاع میکند و تلاش برای تحمیل قواعد و اجبارهای اسلامی در واقع دفاع از همین چهارچوبها در کشورهای اسلام زده منطقه و فراتر دفاع از ارزشهای ارتجاعی و ضد زن پدیده ناموجود موسوم به "جهان اسلام" است. جبهه انقلابی این نبرد بزرگ و تاریخساز فی الحال در ایران است.

### تروریسم و سیاست فاشیستی مجازات جمعی زنان و دختران

حملات تروریستی و شیمیایی و مسمومیت های زنجیره ای در مدارس بعد از تعطیلات سال نو دوباره شروع شد. تهدید و تعیین زمان شنبه ۲۶ فروردین برای تحمیل مجدد حجاب در بخشهای مختلف جامعه با موجی از حملات تروریستی به مدارس دخترانه در همین روز همراه بود. این در حالی است که همزمان برای تعدادی از دانش آموزان با فشار و شکنجه مشغول پرونده سازی اند که در مدارس مواد شیمیایی پخش کردند! اولین تودهنی را شاهین شهری ها با اعتراض گسترده شان به حکومت زدند. روز یکشنبه ۲۷ فروردین تداوم حملات شیمیایی به مدارس دخترانه از جمله در شهرهای قزوین، مهاباد، کرج، کرمانشاه، ارومیه و شیراز با کشمکش تند خانواده ها و دانش آموزان و دانشجویان با حکومتی ها منجر شد. سرکوبگران دانش آموزان را با گاز شیمیایی مسموم کردند و به والدین معترض شان گاز اشک آور و باتوم زدند.

امروز دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ نیز حملات تروریستی اوباشان خامنه ای ادامه داشت. دبیرستان دخترانه جعفر صادق در کرج، مدرسه بنت الهدی صدر در خرم آباد، دبستان دخترانه ملک زاده در کرج، مدرسه پارسه در اصفهان، مدرسه دخترانه محمدباقر در ماهدشت، دبیرستان آسمان تبریز، مدرسه ام السلمه در ذوقول، مدرسه

## یادداشتها

### سیاوش دانشور

#### مرحبا بی بی رضا!

خیزش انقلابی ایران ضد مذهبی و ضد اسلامی است. تجار دین، سیاستمداران مذهب زده و اسلام زده، ناسیونالیست های ضد زن مذهبی و منادی "اخلاق ایرانی"، مدافعان بربریت نهفته در ادیان، ربطی به روند انقلابی در ایران ندارند.

تعظیم رضا پهلوی پای دیوار ندبه در اورشلیم با شب کلاه یهودی، از استعداد شگرف وی برای ایفای نقش "امام جمعه" تهران خیر میدهد.

رضا پهلوی "انشالله" کی قرار است سکولار شود؟

#رنسانس\_ضد\_اسلامی

۱۸ آوریل ۲۰۲۳



### جنگ آخر "ولی حجاب اسلامی" علیه زنان

از تروریسم سازمانیافته تا طرح "محرم سازی مدارس"!

جمهوری اسلامی با مترسک رادان و نیروهای سرکوب، از روز شنبه علیه زنان شورشی بی حجاب ظاهر "تهاجم همه جانبه" بخود گرفتند اما مشغول "دفاع همه جانبه" و پاتک برای بازپس گیری سنگرهایی هستند که در ماههای اخیر زیر پای زنان و مردان انقلابی ویران شده است. مملکت دارد از نداری و فقر و گرانی و بحران های مزمن نابود میشود، کل مشغله بارگاه اسلام و حکومتش به مسئله حجاب معطوف شده است. "حجاب و عفاف" اسم رمز سلطه ننگین اسلام بر زن و جامعه است، این سلطه را دیگر کسی قبول نمیکند، فی الحال دوفاکتو ورافتاده است، چشم انداز صلحی هم میان نیروهای متخاصم وجود ندارد. همانطور که قابل تصور نیست که حکومت فاشیستی وربیافتد و هنوز پرچمش بالای ساختمان دولت باشد، اگر حجاب ورافتاد، حکومت اسلامی در ایران هم ورافتاده است، نسخه ترکیه ای و اندونزیایی هم در کار نیست.

امروز جمهوری اسلامی با شرایطی مواجه است که بسیاری در حکومت خواهان لغو قانون اجباری حجاب و یا دنبال فرمولی برای سازش کم ریسک حکومت با زنان برسر حجاب اسلامی اند. این بخش حاضر است به این عقب نشینی تن بدهد اما نظام بماند. خامنه

## یادداشتها

### سیاوش دانشور

شاهین شهری ها و اولیا دانش آموزان در اعتراض به حمله شیمیایی و تهدیدهای رادان برای رعایت حجاب اسلامی بیرون ریختند. با شعارهای روشن «حکومت بچه کش نمی خواهیم، نمیخواهیم! هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم!» و فریادهای بیشراف به رادان و نیروهایش جواب روشنی دادند.

تودهنی شاهین شهر به خامنه ای و رادان و خروش دانش آموزان و زنان از هشجاری سیاسی مردم انقلابی خبر میدهد. تودهنی های دیگر در راه است. شاهین های انقلاب مجالی برای بازی وسط بازها باقی نگذاشته اند!

۱۵ آوریل ۲۰۲۳



شاهد در ارومیه، مدرسه دخترانه هاجر در دیواندره، مدرسه دخترانه مولانا در ارومیه، مدرسه دخترانه راهنمایی فجر و شرف و دبیرستان شاهد در بوکان، مدرسه دخترانه غزه در سقز، مدرسه راهنمایی دخترانه فرهنگ در روانسر، دبیرستان دخترانه نسیم در شهر سنندج و چهار مدرسه در گیلانغرب، مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند. برخی از مدیران مدارس در پاسخ اعتراض والدین به این وضعیت، کل حمله را انکار و از «بیحالی و استرس و شیطنت بچه ها» سخن میگویند! این مدیران مزدوران رسمی حکومت در مدارس اند.

خامنه ای که نه کسی در داخل برای حکومتش تره خرد میکند و نه توانستند با زور دلار در خارج به «ولی مسلمین» تعدادی تروریست ارتقای دهند، حال سرنوشت خود و نظامش را به حجاب گره زده و تصمیم گرفته از وی بنام «ولی حجاب اسلامی» نام ببرند. وه چه کریه و نفرت انگیز است سیمای قاتلین سریال زنان و آمرین مجازات جمعی کودکان و نوجوانان دختر در درازنای تاریخ!

سیاست فاشیستی تمام قد اسلام سیاسی در چهره و حکومت اسلامی خامنه ای در جنگ بقا است. اولین هدف جنبش انقلابی کوبیدن شیشه عمر اسلام و حکومتش بر زمین است. کل بورژوازی در حکومت و در اپوزیسیون بدرجات مختلف از تعرض انقلابی زنان و جامعه به اسلام و سمبلها و ارزش هایش نگران هستند. برای طبقه بورژوازی در ایران و منطقه و جهان، اسلام هنوز میتواند منبع خوبی برای سلطه برده وار سرمایه و تعمیق نابرابری ها باشد. جامعه ایران در انقلاب زنانه، آنتی اسلامیستی و ضد کاپیتالیستی تنها کمونیسم کارگری و کمونیست هایی از جنس حزب حکمتیست را تا به آخر همراه خود دارد. ما، آنچه در این روزها میگذرد را بسیار پیش تر تصویر کرده بودیم و آمدنش را مژدگانی داده بودیم. تابستان داغی پیش رو است. خامنه ای و پرچم اسلام را باید در همین نبرد بزیر کشید!

۱۷ آوریل ۲۰۲۳

#حجاب\_بی\_حجاب

#حکومت\_بچه\_کش\_نمیخواهیم

#شاهین\_شهر

تودهنی #شاهین\_شهر به #خامنه ای بچه کش و #رادان جنایتکار



امروز شنبه ۲۶ فروردین بزعم رادان روز جمع کردن بی حجابی است. تهدید کردند و شعار دادند و نیروهایشان را همه جا بیرون ریختند. دیروز وزیر بهداشت هم اعلام کرد که تصمیم دولت و وزارت بهداشت بعد از بررسی ها براین است که اعلام کنیم اصولا مسومیتی در کار نبوده است و «بیحالی» رخ داده که آنهم ناشی از استرس است. جواب این وزیر فاسد و غیر بهداشتی را باید سرفقت داد. او از جمله متهم است که صدها حمله تروریستی شیمیایی به کودکان را به نفع حکومت بچه کش انکار و صورت مسئله را بطور کلی خط زده است. برای رفع ابهام یک سری متوهم یا شارلاتان که تلاش دارند بعناوین مختلف دست حکومت را بشویند و از عاملان و آمران تروریسم جویای واکنش و عدالت شوند، امروز هم یک سری حملات تروریستی شیمیایی در سنندج و اصفهان و قزوین و ایذه سازمان دادند.

مرگ بر جمهوری اسلامی سرمایه داری!

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر



گزارشات هفته گذشته مبارزات کارگری و جنبش‌های اجتماعی

**حمله سریالی شیمیایی به دانش آموزان همچنان ادامه دارد!**

روز شنبه ۲۶ فروردین مدارس دخترانه‌ی شرافت و خدیجه در سنندج مورد حمله شیمیایی قرار گرفته‌اند. علائم اکثر دانش آموزان سرفه و سردرد است و می‌گویند که بوی عجیبی احساس کرده‌اند.

دبیرستان دخترانه معروف شافعی در مهاباد نیز مورد حملات شیمیایی قرار گرفت. وضعیت تعدادی از دانش آموزان وخیم گزارش شده و به مراکز درمانی منتقل شده‌اند.

همچنین دو مدرسه‌ی دخترانه‌ی کوثر و پروین اعتصامی در ایذه مورد حمله‌ی شیمیایی قرار گرفتند.

دبیرستان دخترانه یاس نبی شهرستان تاکستان قزوین نیز روز شنبه هدف حملات شیمیایی قرار گرفت. تعدادی از دانش‌آموزان نیز مسموم و به مراکز درمانی منتقل شده‌اند.

یکشنبه ۲۷ فروردین نیز شاهد حمله شیمیایی به مدرسه دخترانه طراوت در ارومیه و مدرسه قاسم سلیمانی در خیابان قلم شاهین ویلا کرج بودیم.

در ادامه بازم هم مدارس اردبیل از جمله دبیرستان دخترانه معراج برای چندمین بار متوالی مورد حمله شیمیایی قرار گرفت. در ارومیه نیز به مدرسه هنرستان ۲۳ تیر برای بار دوم حمله شیمیایی کردند. در پی حمله شیمیایی به دبیرستان دخترانه «یاس نبی» در قزوین، خانواده‌های دانش‌آموزان مقابل ساختمان این مدرسه تجمع و اعتراض کردند.

در روز ۲۸ فروردین چهار مدرسه دخترانه در گیلان غرب مورد حمله قرار گرفتند: هنرستان اندیشه، راهنمایی ۱۷ شهرپور، دبیرستان عصمت و دبیرستان خدیجه کبری.

**معاون دبیرستان فرزنانگان سنندج در حمله شیمیایی به مدرسه مسموم شد**

فوزیه تاکی معاون دبیرستان تیزهوشان فرزنانگان سنندج در حمله شیمیایی به مدرسه مسموم و جهت مداوا در یکی از بیمارستان‌های سنندج بستری شد. این حادثه در روز دوشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۲ و در ادامه حملات سریالی به مدارس رخ داد. این در حالی است که در روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین ماه نیز به دست کم ۲۸ مدرسه در ده‌ها شهر ایران حمله شیمیایی شد.

**گزارشی از بازداشت سه دختر در شیراز**

سه دختر از جمله دو دانش آموز به نام‌های عرفانه هنر ۱۹ ساله، ستایش داروغه ۱۶ ساله و ستایش امیری ۱۷ ساله در رابطه با مسمومیت سریالی دانش آموزان در شیراز دستگیر شدند. این سه دختر جوان هم اکنون به صورت بلا تکلیف در بند قرنطینه زندان عادل آباد شیراز بسر می‌برند. «این سه دختر جوان که هم اکنون در بند قرنطینه زندان به سر می‌برند از ملاقات و تماس تلفنی با خانواده خود محروم شده‌اند.» اتهام مطروحه علیه این سه دختر جوان کماکان مشخص نیست، با اینحال لازم به اشاره است، نهادهای امنیتی-قضایی در ماه‌های اخیر تلاش زیادی کردند تا بار مسئولیت «مسمومیت در مدارس» را بر عهده منتقدان و بعضاً خود دانش‌آموزان بگذارند.

ما در برنامه جامعه و کارگران بیشتر هم اعلام کردیم: ضمن همدردی با دانش آموزان مسموم شده و خانواده‌های آنها اعلام می‌کنیم، فرمانده

اصلی حملات شیمیایی به مدارس دخترانه خود خامنه‌ای جنایتکار است. ضمن محکوم کردن این حملات شنیع از عموم مردم می‌خواهیم تنها با گسترش اعتراضات میتوان جلو انتقام جویی خامنه‌ای جنایتکار را گرفت

**اعتصاب کارگران پروژه‌های شرکت IGC دهلران**

روز شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ کارگران شرکت IGC شاغل در پروژه‌های NGL3100 دهلران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق بهمن‌ماه و عیدی پایان سال اعتصاب کرده و در محوطه، کارگران دست به تجمع زدند.

**اعتصاب کارگران پروژه‌های پتروپالایش دشت عباس**

روز شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ کارگران پروژه‌های واحد جی ال شاغل در پتروپالایش دشت عباس با خواست تغییر نوبت کاری به بیست روز کار و ده روز مرخصی و افزایش حقوق به میزان ۵۲ درصد اعلام شده از سوی کمپن مرکزی کارگران پروژه‌های دست به اعتصاب زدند.

**کارگران اخراج شده صدر فولاد لرستان روز دوشنبه ۲۸ فروردین مقابل این شرکت دست به اعتراض زدند.**

مدیرعامل کارخانه به بهانه عدم توانایی مالی لازم برای پرداخت حقوق و دستمزد کارگران، با بخشی از کارکنان در حوزه حراست و نگهبانی در پایان سال گذشته تسویه کرده و روز بیست و هفتم فروردین نیز اقدام به اخراج ۲۳ نفر دیگر از کارگران این کارخانه کرده است. سرمایه‌گذار صدر فولاد وعده داده تا خرداد ماه فاز دوم کارخانه را راه‌اندازی کند و کارگران اخراج شده را برای فاز ۲ بکار گیرد، اما تا آن زمان توان مالی برای پرداخت حقوق وجود ندارد.

**جمعی از پرستاران و کادر درمانی استان کردستان مقابل استانداری این استان تجمع کردند.**

روز شنبه ۲۶ فروردین پرستاران کردستان، مهم‌ترین خواسته‌ی خود را اصلاح آیین‌نامه تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری می‌دانند که به گفته‌ی آن‌ها، پشت درهای بسته تنظیم شده و منافع پرستاران را نادیده گرفته است. آن‌ها می‌گویند: خواستار برقراری عدالت هستیم؛ مطالبه تعرفه‌گذاری به شدت ناچیز است و پرستاران به این پرداختی‌های ناعادلانه اعتراض دارند.

پرستاران معترض می‌گویند: ما خواستار این هستیم که حاصل زحمات پرستاران باید به جیب خودشان برود نه دیگران؛ می‌خواهیم بدانیم چه کسانی مخالف اجرای قانون است و نمی‌گذارد پرستاران به حق‌شان برسند.

**راهپیمانی و تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی**

روز یکشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی اهواز، شوشتر، اصفهان، کرمانشاه، بابل، در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم رسیدگی به خواست و مطالبات‌شان مجدداً در مقابل ادارات تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

همچنین روز چهارشنبه ۳۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ نیز جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی اهواز در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم رسیدگی به خواست و مطالبات‌شان مجدداً در مقابل اداره کل تأمین اجتماعی خوزستان در اهواز دست به تجمع زده و سپس تا میدان فرهنگ این شهر در سطح خیابان‌ها همراه با سردادن شعار راهپیمائی کردند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات استانها**



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر**

ارجاع داده و بر اساس این کیفرخواست که توسط قاضی نقی‌زاده معاون دادستان و رئیس شعبه دوم دادرسی عمومی شهر سنندج صادر گردیده آقای سلیمی به «افساد فی‌الارض» متهم شده است.

رفیق سلیمی روز چهارشنبه ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۱ پس از گذشت بیش از ۵۰ روز بازداشت و شکنجه در بازداشتگاه‌های اداره اطلاعات، به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است.

### گلرخ ایرانی به ۷ سال زندان و مجازات‌های تکمیلی محکوم شد

گلرخ ایرانی از بازداشت‌شدگان خیزش سراسری که از ۲۰۰ روز پیش در زندان بسر می‌برد، با حکم قاضی ایمان افشاری رئیس شعبه ۲۶ دادگاه کذایی تهران به ۷ سال حبس تعزیری (بابت اتهام اجتماع و تبانی ۶ سال حبس، بابت اتهام تبلیغ علیه نظام ۱ سال حبس)، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور، ۲ سال ممنوعیت حضور در تهران، ۲ سال ممنوعیت حضور در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات و ضبط گوشی تلفن همراه محکوم شد.

در صورت قطعی شدن این حکم در مرحله تجدیدنظر، از این میزان حبس، ۶ سال زندان در خصوص گلرخ ایرانی قابل اجرا خواهد بود. لازم به توضیح است که فعالین سیاسی، اجتماعی و نهادهای اجتماعی کمپینی را در محکومیت این احکام ارتجاعی شروع کردند و خواهان آزادی فوری گلرخ ایرانی هستند. ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن محکوم کردن این احکام غیره انسانی خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم.

### سعید سیف‌علی روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای بازداشت شد

عسل اسماعیل‌زاده، همسر سعید سیف‌علی، مدیر مسئول سایت خبری دیده‌بان ایران از بازداشت همسرش توسط نیروهای امنیتی خبر داد. او در این‌باره گفت: «همسر روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین ماه به قصد پیگیری پرونده‌اش به دادرسی مراجعه کرد و بازداشت شد. تا این لحظه هیچ اطلاعی از نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری ایشان ندارم.» سعید سیف‌علی پیش از این در ۱۷ دی‌ماه سال گذشته، با موج بازداشت روزنامه‌نگاران به دادرسی اوین احضار و بازداشت شد. او هشت روز پس از آن با سپردن وثیقه یک میلیارد تومانی، به‌طور موقت آزاد شد. از دلایل بازداشت، محل نگهداری و اتهامات علیه این روزنامه‌نگار اطلاعی در دست نیست.

### یک دانشجوی اهل بیجار بر اثر شکنجه راهی بیمارستان شد

بر اساس گزارش منتشرشده، نعیم لشکری، دانشجوی دانشگاه خوارزمی و اهل شهرستان بیجار، پس از بازداشت مجدد توسط مأموران سرکوبگر بر اثر شکنجه مجروح و راهی بیمارستان شد.

نعیم لشکری که روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین ماه بازداشت شده است، زیر شکنجه شدید دچار شکستگی و جراحت شده و به بیمارستان بیجار انتقال یافته است.

بر اساس گفته‌های یک منبع آگاه، دلیل بازداشت نعیم لشکری، "نشر یک استوری در صفحه شخصی" این دانشجو عنوان شده است.

آقای لشکری پیش از این نیز در تاریخ پنجم آبان ماه و در جریان خیزش سراسری بازداشت شده بود.

### هما همابین و شهریار عقابیان، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان حکم محرومیت از تحصیل گرفت

هما همابین، دانشجوی ورودی ۹۶ و شهریار عقابیان، دانشجوی ورودی ۹۷ دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، با حکم شورای تجدید نظر انضباطی این دانشگاه به اتهام ایجاد و شرکت در اعتراضات به ۱۸ ماه محرومیت از تحصیل با احتساب سنوات محکوم شد. این حکم به صورت شفاهی به دانشجو منتقل شده است و کمیته انضباطی از دادن حکم مکتوب به وی سر باز زده است.

این دانشجویان پیشتر در آبان ماه به مدت یک ماه از ورود به دانشگاه منع شده بود.

روز دوشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۲ بازنشستگان مخابرات استانها در سراسر کشور در اعتراض به شرایط نامناسب معیشتی و عدم اجرای خواسته‌هایشان مقابل ستاد مخابرات استانها دست به تجمع زدند. آنها خواستار اجرای کامل و بدون تنازل آیین نامه استخدامی و پرسنلی مصوب سال ۸۹ شرکت مخابرات هستند.

### تجمع بازنشستگان فولاد منطقه البرز غربی

یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ بازنشستگان فولاد منطقه البرز غربی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و پامال شدن حقوق خود از جمله تکمیل همسان‌سازی و تامین کامل سیستم درمانی تجمع اعتراضی برپا نمودند.

### تجمع و راهپیمایی بازنشستگان شوش و جمعی از کارگران هفت تپه

روزیکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان شوش و تعدادی از کارگران شرکت هفت‌تپه در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و دستمزد و حقوق نازل از مقابل درب تامین اجتماعی به طرف اداره کار شهرستان شوش راهپیمایی و تجمع برگزار کردند. در این تجمع ابراهیم عباسی یکی از رهبران کارگران هفت تپه سخنرانی کرد.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان صدا و سیما

دوشنبه ۲۸ فروردین بازنشستگان صدا و سیما در تهران در اعتراض به معضلات معیشتی و عدم رسیدگی مسئولان به مطالبات خود مقابل مسجد بلال تجمع برگزار کردند.

### مردم سقز به پیشواز پیکر کولبران جانباخته رفتند

به دنبال اینکه پیکر بی‌جان دو کولبر غرق شده در سد عباس‌آباد بانه پس از گذشت ۱۰ روز پیدا شد، مردم سقز جهت حضور در مراسم خاکسپاری با تجمع در آرامستان آچی به پیشواز پیکر این کولبران جوان رفتند. افشین فلاحی، ۲۲ ساله و مهدی رحمتی، ۲۳ ساله، به خاطر کمین نیروهای سپاه پاسداران در مسیر کولبرها مجبور به عبور از سد عباس‌آباد بانه شده و جان خود را از دست دادند.

### تجمع اعتراضی مردم دهلران به حمایت از چهار زندانی اعتصابی

روز سه شنبه ۲۹ فروردین مردم دلیر دهلران به منظور آزادی بدون قید و شرط چهار زندانی اهل این شهر به نام‌های عظیم یادگاری، حسین بایروند، فرشاد آیینی و سعیدالله آیینی که از ۲۷ فروردین در زندان ایلام دست به اعتصاب غذا زده‌اند مقابل فرمانداری این شهر تجمع نمودند.

### عثمان اسماعیلی از فعالین کارگری اهل سقز آزاد شد

امروز دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ عثمان اسماعیلی پس از گذشت ۷۰ روز بازداشت با تودیع قرار وثیقه یک میلیارد تومانی موقتاً و تا زمان پایان مراحل دادرسی از زندان سقز آزاد شد.

### تداوم بازداشت و بلاتکلیفی رفیق سلیمی

رفیق سلیمی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، با گذشت بیش از چهار ماه نیم از زمان دستگیری کماکان در قرنطینه زندان مرکزی سنندج در بازداشت و بلاتکلیفی بسر می‌برد.

روزیکشنبه ۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۱، خانواده رفیق سلیمی جهت اطلاع از وضعیت پرونده وی به دادگاه مراجعه کرده بودند که به آن‌ها اعلام شد، کیفرخواست رفیق سلیمی توسط شعبه دوم بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب شهر سنندج صادر و پرونده وی به دادگاه انقلاب

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

فواد چوبین دایی آرتین رحمانی از جانب‌باختگان اعتراضات اخیر بدون حکم و با تهدید اسلحه و ضرب و شتم شدید توسط لباس شخصی‌ها بوده شد

برادر فواد چوبین دایی زنده یاد آرتین رحمانی از جانب‌باختگان در شهرستان ایذه با انتشار یک پست اینستاگرامی ضمن خبر روده شدن برادر خود فواد چوبین نوشت: «برادرم فرهاد چوبین در تاریخ ۲۲ فروردین ساعت ۱۵:۲۰ دقیقه در شهرستان ایذه، خیابان خرمشهر، پشت پاساژ پل، بدون دلیل و مدرک یا حکم بازداشتی با تهدید اسلحه توسط لباس شخصی‌ها و با ضرب و شتم شدید روده شده است. ما از محل نگهداری و وضعیت او اطلاعی نداریم. تاکید می‌کنم مسئولیت جان برادرم با حکومت است.»

مسئب رئیسی یگانه زندانی سیاسی سابق بازداشت شد

صبح روز دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ ماموران اطلاعاتی با یورش به منزل شخصی مسیب رئیسی یگانه، وی را بازداشت کرده و با خود به مکان نامعلومی منتقل کردند.

ماموران ضمن تفتیش منزل، تمام وسایل شخصی از جمله گوشی‌های او را همراه خود بردند.

بازداشت بهروز علوی معلم و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان

صبح روز دوشنبه ۲۸ فروردینماه ۱۴۰۲ چند نفر نیروی امنیتی وزارت اطلاعات با در دست داشتن حکم جلب و حکم تفتیش منزل آقای بهروز علوی دبیر زبان انگلیسی دبیرستانهای سقز و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان به محل سکونت وی مراجعه کرده که به علت عدم حضور این همکار فعال صنفی و رسانه‌ای، در منزل، تا این لحظه بازداشت وی میسر نشده است. لازم به ذکر است پرونده‌ی بهروز علوی در شعبه ۴ دادیاری دادگستری شهرستان سقز باز و در حال رسیدگی می‌باشد.

حکم ۲۰ سال حبس در تبعید برای حمید و فرزانه قره‌حسنلو

آصف‌الحسینی، حمید قره‌حسنلو را به ۱۵ سال حبس در تبعید در یزد و همسرش فرزانه را به پنج سال حبس در تبعید در مشهد محکوم کرده است.

صدور این حکم در حالی است که حمید قره‌حسنلو به دلیل شکنجه از ناحیه لگن و ریه دچار آسیب جدی شده و زجاجیه چشم او نیز به دلیل ضربات مستمر به سر آسیب‌دیده و نیازمند اعزام فوری به مراکز درمانی است.

از رنج بلاتکلیفی

بیش از ۲۰۰ روز است که نیلوفر حامدی و الهه محمدی در بازداشت موقت به سر می‌برند. صبح ۳۱ شهریور ماموران با حضور در منزل نیلوفر حامدی او را بازداشت کردند، همان روز وسایل الکترونیکی الهه محمدی هم ضبط شد. الهه یک هفته بعد بازداشت شد تا در کنار نیلوفر بیشتر از نیمی از سال ۱۴۰۱ را در بازداشت بگذراند.



### کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه ملتی درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدونکار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس‌های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهانجامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC:  
DNBANOKKXXX

مرگ بر جمهوری اسلامی سرمایه داری!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!